

اجرای پروژه باغ کتاب دراولویت شورای شهر



نایب رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر مشهد، از آغاز عملیات اجرایی پروژه باغ کتاب خبر داد و گفت مطالعات فاز صفر احداث این پروژه امسال و به زودی انجام می‌شود.رمضانعلی فیضی، بااشاره به جلسه اخیر این کمیسیون و مورد بررسی قرار گرفتن چهار پروژه شاخص از جمله؛ پردیس تئاتر شهر، گذر گلستان، حمایت از مجموعه‌داران وموزه‌داران بخش خصوصی و احداث باغ کتاب، موانع پیش آمده برای پروژه پردیس تئاتر شهر را برطرف شده اعلام کرد و گفت:

گذاشته شدن سینما آسیا اطلاعی ندارد اما درباره رویکرد و سیاست کلی حوزه هنری درباره تخریب یا به مزایده گذاشتن سینماهای قدیمی در کل کشور صحبت می‌کند. به گفته مومنی شریف سیاست حوزه هنری همیشه بر مبنای افزایش صندلی‌های سینمایی در کشور بوده‌است و همین روند نیز در آینده ادامه خواهد داشت. او در این باره توضیح می‌دهد: «سالن‌هایی که به فروش گذاشته می‌شود یا تخریب می‌شود پولش برای ساخت سینما خرج می‌شود. حتی خود ما از بودجه حوزه هنری هزینه می‌کنیم تا به تعداد صندلی‌های سینماها اضافه‌شود.»

رئیس حوزه هنری کشور همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که پول‌های حاصل از فروش سینماهای قدیمی شهرهای مختلف کشور در همان شهری که سینما در آنجا واقع بوده، خرج می‌شود و در واقع این سینماهای قدیمی به مجتمع‌های سینمایی در مکان‌هایی مناسب‌تر در شهر خودشان تبدیل می‌شوند.از او درباره کاربری سینما آسیا بعد از به فروش رفتنش می‌پرسیم که این‌گونه توضیح می‌دهد: «دقیق نمی‌دانم کاربری آن چه می‌شود و باید براساس مقررات با آن برخورد شود، تا آنجا که من می‌دانم اگر خریدار مایه‌ارای آن بتواند کار فرهنگی ایجاد کند، شهرداری اجازه تغییر کاربری را برای او صادر می‌کند.»

جایگزین شدن پروژه سینمایی «مهرکوهسنگی»

مومنی شریف همچنین در صحبت‌هایش به ساخت ۱۶ سینما در ۱۰ استان از سوی حوزه هنری اشاره می‌کند. به گفته او تمام این پروژه‌ها قرار بوده تا اوایل شهریور ۹۹ وارد ناوگان سینمایی کشور شوند اما احتمالا به دلیل شرایطی که کرونا در کشور

شناخته می‌شود و این خود یعنی که هنوز سینما اساید در بین مردم زنده‌است. نکته درخ‌خور تأمل اینکه سینما آسیا تنها به دلیل ایمن نبودن ساختمان، آن هم به دلیل تخریب قسمتی از اتاق‌های طبقه اولش که مشرف به کوچه هستند، در حال حاضر رها شده و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. مسئله‌ای که با اندکی سیاست و دل سوزاندن قابل حل‌ است خاصه آنکه هنوز بخش باستانی سینما هم در کوچه کناری آن دست نخورده باقی مانده‌ است و تنها اندکی تم لازم دارد که این یگانه بازمانده قابل بازگشت دوران حکومت سینماها بر ارگ مشهد زندگی از نو گیرد و بار دیگر ارگ را به پاتوق اهل

این پروژه دارای فاز‌های مختلفی است. با تلاش شهرداری، برخی از این فازها در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری خواهد رسید.او درباره حمایت از مجموعه‌داران وموزه‌داران نیز گفت: بر اساس تصمیم کمیسیون فرهنگی واجتماعی، مقر شد تا در نزدیکی سالن تئاتر شهر، زمینی در اختیار این صنف قرار گیرد و شهرداری هم باید لایحه آن را ارائه کند. فیضی ضمن



بیان این نکته که مجموعه‌داران، صنفی نیازمند حمایت بوده و مکان مشخصی هم ندارند، گفت: ساماندهی صنف متعددی را در برنامه داریم که این گروه نیز شامل آن می‌شوند. فعالان این صنف، پیوسته از مدیریت شهری درخواست مساعدت داشته‌اند و شهرداری نیز با حمایت شورا به این موضوع وارد خواهد شد.نایب رئیس کمیسیون

مُبین مقام خراسان

نگاهی به حضور مبین، نوه زنده یاد نور محمد در پور در برنامه «عصر جدید»



شکیبا افخمی راد

sh.afkhami@shahraranews.ir

زندگی با موسیقی

قسمت جدید فصل دوم برنامه «عصر جدید» در حالی شنبه‌شب روی آنتن شبکه سه سیما رفت که مبین درپور نوه زنده‌یاد نورمحمد درپور اسطوره موسیقی مقامی تربت‌جام و خراسان با اجرای خود توانست نظر هیئت داوران را جلب کند. این هنرمند پازده ساله پیش از این چندین بار در جشنواره موسیقی جوان روی صحنه رفته و توانسته‌بود مقام اول بخش آوازی این سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در بخش نواحی در سال گذشته، پس از اجرای رسمی خود مقابل هیئت داوران، با آرزوی سلامتی برای محمدرضا شجریان، قطعه‌ای را به این استاد بزرگ تقدیم کرد. اما اکنون محمدمبین برای دیده شدن بیشتر و نشان دادن استعداد خود صحنه عصر جدید را انتخاب کرده‌است. صحنه‌ای که می‌تواند او را به عموم مردم معرفی کند. او با همراهی نوای دوتار پدرش دو قطعه خراسانی «جمشیدی» و «شاه‌زمان» را در برنامه «عصر جدید» اجرا کرد. در این بین نکته جالب توجه رأ مثبت آریا غلظمی‌نژاد، آهنگ‌ساز و داور سخت‌گیر برنامه در همان دقایق آغازین اجرا بود. بعد از او نیز سه داور دیگر رأی‌های مثبت خود را برای آواز خوانی تحسین برانگیز محمدمبین اعلام کردند. با پایان این اجرا، غلظمی‌نژاد از محمدمبین درپور درخواست کرد تا بخشی از مقام‌هزارگی را اجرا کند. این اجرا نیز با استقبال تماشاچیان در سالن روبه‌رو شد. درنهایت این هنرمند خراسانی در پایان برنامه با حضور در فینال قسمت یازدهم عصر جدید با رأی مثبت داوران به مرحله بعد راه پیدا کرد. اما در این بین نباید از صحبت‌های محمدهسین درپور، پدر مبین گذشت، او در برنامه عصر جدید اعلام کرد که به دلیل حفظ نشدن شأن پدرش نورمحمد درپور ترجیح می‌داده که پسرش به جای موسیقی محلی خراسان به سراغ موسیقی کلاسیک و سنتی برود. صحبتی که شاید در این سال‌ها از زبان فرزندان بسیاری از بزرگان موسیقی مقامی خراسان بیان شده‌اما هیچ‌زمان جدی گرفته نشده‌است. غافل از اینکه این بی‌مهری‌ها و دلسرد شدن میراث‌داران

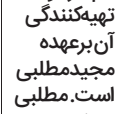
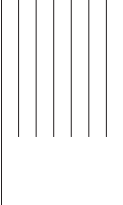
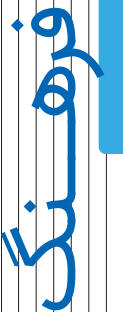
فرهنگی واجتماعی، با اشاره به فرصت دو هفته‌ای شورا به شهرداری برای بررسی و ارائه گزارش، روند پیگیری پروژه باغ کتاب را این‌گونه تصریح کرد: فازبندی‌های پروژه، مکان‌یابی و... در این مطالعه باید گنجانده شود تا بتوانیم امسال شاهد آغاز عملیات اجرایی باشیم. این پروژه فرهنگی، دارای اولویت است و پس از تکمیل مطالعات، وارد فاز اجرایی خواهد شد. اودرباره گذر گلستان نیز خاطرنشان کرد: این بازار چه که در مجاورت و روی کال قرار گرفته، نیازمند ایمن‌سازی است که باید با سرعت و قدرت انجام شود و تا پایان سال ۹۹ به‌اتمام برسد.



روزنامه
شهرامشید
وزندگی

۲۲شنبه
۱۲ خرداد ۱۳۹۹
۶ خرداد ۱۳۹۹
۳۱۸ شماره

۱۵



«طفلی به نام شادی» در فاصله فارس تا خزر

درنگی فرخ‌ور تازه‌ترین کتاب شعر محمدرضا شفیعی کدکنی



وحید حسینی ایرانی

v.hosseini@shahraranews.ir

دل بستگی محمدرضا شفیعی کدکنی به زادبوم و فرهنگ آن، امری پوشیده نیست. استاد چه در سروده‌هایش و چه در آثار انتقادی و نظری خود به نوعی این مهر و علاقه را که به شیفتگی می‌زند، نشان داده است. او در پژوهش‌ها و تصحیح‌هایی که از متون کلاسیک ادب فارسی عرضه کرده است، تمرکزی ویژه روی فرهنگ خراسان و آثار گران سنگی چون نوشته‌های نظم و نثر شیخ عطار (تذکره‌الاولیا، منطق‌الطیر و...) و میراث بزرگان ادب عرفانی (سنایی، خواجه عبدا... انصاری و ...) دارد و در شعر خویش نیز سازه‌ها و نام‌ها و نشان‌ها از این فرهنگ تنیده است (در کوچه‌باغ‌های نشابور؛ بوی جوی مولیان؛ و...). همچنین آن‌هایی که دکتر شفیعی کدکنی را از نزدیک دیده‌اند با با او زمانی هم‌سخن شده‌اند، می‌توانند به عرق خراسانی او گواهی دهند –نگارنده این یادداشت که زمانی برای انتشار مجله‌ای به راهنمایی‌های استاد گوش سپرده بود، شادی بر این مدعاست. اما خراسان بدون مفهومی به نام «ایران» معنا ندارد و آن که از مرده‌ریگ این خُطه می‌گوید و ارجش می‌گذارد، خواه ناخواه گنجینه میراث ایرانی را پاس داشته است. شفیعی در سروده‌ها و دیگر نوشته‌های مستقیم یا غیرمستقیم ارادت خود را به زادبوم بزرگ، زادبومی فراتر از خراسان عزیزش، نشان داده است. او که در عرصه سرایش به داشتن دغدغه‌های اجتماعی شیره است، در شعری معروف نگرانی‌هایش را درباره این مرز پرگهر نشان می‌دهد:

«طفلی به نام شادی، دیری ست گم

شده‌ست

با چشم‌های روشن براق

با گیسوی بلند به بالای آرزو

هر کس ازو نشانی دارد ما را کند خبر

این هم نشان ما:

یک‌سو خلیج فارس

سوی دگر خزر»

حالا این نشانی سرراست که به

جغرافیایی به نام ایران اشاره دارد، در

نام تازه‌ترین مجموعه شعر محمدرضا

شفیعی کدکنی جلوه می‌کند: «طفلی به نام شادی».

در گذشته دو مجموعه «آیینهای برای صداها» دربردارنده ۷ دفتر و «هزاره دوم آهوی کوهی» شامل ۵ دفتر از اشعار او منتشر شده بود و همچنان همان‌ها باز چاپ می‌شود. اما دوستداران شعر شفیعی از سال ۱۳۷۸ که چاپ نخست «هزاره دوم...» منتشر شد، دیگر شعر تازه‌ای از او در قالب کتاب ندیدند تا بهار سال ۱۳۹۴ که مجله بخارا ۱۵۰ سروده او را برای نخستین بار ارائه داد. اکنون پس از دو دهه مجموعه‌ای دیگر از این شاعر و ادیب نام‌آور خراسانی به هیئت کتاب به چاپ رسیده است که ۵ دفتر او در بربرمی گیرد. «زیر همین آسمان و روی همین خاک»، «هنگامه شگفتن و گفتن»، «از همیشه تا جاودان»، «شیبور اطلسی‌ها» و «در شب سردی که سرودی نداشت» ۵ دفتر یادشده هستند که کتاب «طفلی به نام شادی» را می‌سازند.

تمدید ثبت نام در جشنواره کتابخوانی رضوی

مهلت ثبت نام در دهمین جشنواره کتابخوانی رضوی تا پایان تیسر ۱۳۹۹ تمدید شد. این تصمیم با توجه به اهمیت بالای انجام فعالیت‌های فرهنگی به صورت مجازی در شرایط امروز کشور، استقبال شرکت کنندگان، تقاضای مجریان استانی و بازگشایی کتابخانه‌ها، از سوی شورای سیاست گذاری جشنواره اتخاذ شده‌است.

همچنین دبیرخانه مرکزی جشنواره کتابخوانی رضوی اعلام کرد تاکنون بیش از ۶۰۰ هزار نفر در گروه‌های سنی مختلف کودک، نوجوان و بزرگسال در قالب‌های داستاکن نویسی، روزنامه کتاب، مسابقات چهار گز نه‌ای، پویش کتابخوانی و فعالیت‌های گروهی جشنواره شرکت کرده‌اند.

علاقه‌مندان برای شرکت در این جشنواره تا ۳۱ تیر فرصت دارند با مراجعه به سایت samakpl.ir در مسابقه‌های آنلاین این دوره شرکت کنند.

ویژه برنامه‌های استانی در ۱۴ و ۱۵ خرداد

همزمان با سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) و قیام خونین ۱۵ خرداد صداوسیما مرکز خراسان رضوی برنامه‌های مختلفی را در رادیو و تلویزیون این مرکز تدارک دیده است. «صبح خراسانی»، «شب شرقی»، «ایران شهر»، «خط روشن»، «طلانه دار»، «یک شهر یک قیام»،

«در سوگ آفتاب» و «صحن امام» از جمله ویژه برنامه‌هایی است که در این ایام روی آنتن می‌رود. برای مشاهده زمان پخش و جزئیات این برنامه‌ها کد زیر را اسکن کنید.



عاقل اندر سفینه و کنایه آمیز، به تحلیل مسائلی پرداخته که چندان نسبت روشنی با دانش یک منتقد باسابقه سینما ندارد.

به لحاظ نحوه بیان و شیوه ارتباط با مخاطب اما، هوشنگ گلمکانی به وضوح نسبت به همکار مشهورش دست بالا را دارد. اساسا فرایستی با الگوی نقد شفاهی در میان عموم شناخته می‌شود و لحن نوشتارش به نسبت گیرایی ویژه بیان او، چندان اثرگذار و قدرتمند نیست. در مقابل اما، هوشنگ گلمکانی یک منتقد کلاسیک و روزنامه‌نگار حرفه‌ای حوزه سینما محسوب می‌شود که مخاطبان محدودترش نسبت به تلویزیون را با نقد ساختارمند نوشتاری تغذیه می‌کند. از این رو، روش کار دومی، مطابقت بیشتری با استانداردهای جهانی دارد و برای مخاطبان جدی سینما ارزشمندتر محسوب می‌شود. همچنین در لحن بیان و نحوه به کارگیری واژه‌ها و تعابیر، رویکرد مسعود فرایستی قدری خشونت‌آمیز و تند است. فرایستی البته هیچ‌وقت زیر بار این نظریه گلمکانی نرفته که می‌گوید ناراضیانی عمومی سبب شده تا جامعه به نقد تخریبی گرایش پیدا کند؛ اما گزنده بودن نقد را برای اثرگذاری آن ضروری می‌شمارد. مسعود فرایستی که انصافا بیان شیبویی دارد، همواره با این انتقاد روبه‌رو بوده که لحن تهاجمی و بی‌ملاحظه‌اش در مواردی به وهن فیلم‌ها و سینماگران انجامیده و بعضا د دایره ادب خارج شده است. گلمکانی اما، معمولا جانب و قار و متانت را نگه می‌دارد و با ملایمت و انعطاف بیشتر، در قالب عبارات کنترل شده و مؤدب، به نقد آثار سینمایی می‌پردازد.

بخش عمده دعوای این دو منتقد صاحب‌سبک اما، به موضوعات فرامتنی و بازی آن‌ها با افکار

عمومی بازی می‌گردد. گلمکانی در مطلبی که اخیرا در صفحه اجتماعی خود منتشر کرده، فرایستی را

متهم به پهرمند بودن از رانت‌های حاکمیتی و استفاده انحصاری از آنتن رسانه ملی کرده است. این ایراد اما، چندان منطقی نیست یا دست‌کم مطرح‌کردنش از سوی منتقدی که چند دهه در قله جریان نقد ایرانی قرار داشته، در همین کشور دفتر و دستک مجله را انداخته و سال‌ها با یک ژست روشنفکرانه و موضع از بالا به پایشش به هر پهنای ساختارهای فرهنگی را نقد کرده، چندان موجه به نظر نمی‌رسد. مسعود فرایستی نیز وقتی خودش را تنها‌ترین منتقد و محبوب مردم می‌داند، به همین ریسمان پوسیده عوام‌فریبی چنگ انداخته و سخشن چندان جدی گرفته نمی‌شود.

او نمی‌تواند به محبوبیتش در میان مردم چندان مباهات کند، چرا که این غربت و مرا‌رتی که به تعبیر خودش متحمل شده، نه در یک تبعید سخت و طاقت‌فرسا، بلکه در مهم‌ترین کانون توجه مردم ایران و روی آنتن رسانه ملی بوده است. در مجموع، ضمن اینکه هر دو منتقد مذکور افرادی بسیار محترم و از تأثیرگذارترین چهره‌های نقد سینمای ایران در تاریخ به شمار می‌روند، این قبیل محاسلات فرامتنی نسبت روشنی با جریان نقد متفکرانه ندارند و بهتر آن است که هر کدام به ادامه فعالیت فرهنگی در رسانه خود مشغول شوند؛ آن‌چنان‌که در سال‌های اخیر هم تضادی بین اغراضشان به وجود نیامده و هر کدام به جایگاه گروهی‌ای مخاطبان پاسخ داده‌اند. به نظر نمی‌رسد که رفتارهای تکانشی مانند بارکشی مجازی در قالب دعوت به مناظره زنده، آن هم در زمین بی‌طرف، چندان مناسب چنین مردانی باشد؛ بالاخص که مردم ایران اصلا خاطرات خوشی از مناظره و دوطبلی‌سازی ندارند.

عصر جدید جای نخبگان است

به سراغ هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی می‌رویم تا نظر او را درباره اجرای محمدمبین درپور در برنامه عصر جدید بررسییم. او چندان با حضور کودکان در برنامه‌های این چنینی موافق نیست به نظر جاوید عصر جدید جای برای دیده شدن جوانان و نخبگان خوانندگی است. همچنین به باور این پژوهشگر برای کودکان هنوز وقت هست تا مطرح بشوند. او با اشاره به اینکه رسانه‌ها در دام غلطی افتاده‌اند و یک کودک را در جایگاه استاد مطرح می‌کنند می‌گوید: «من به خانواده درپور ارادت دارم ولی معتقدم این کارها جریان موسیقی بومی ایران را به سمت غلطی می‌برد.» به باور جاوید کودکانی چون محمدمبین که با استعداد هستند باید در برنامه دیگری معرفی شوند و جایشان در

کار درخور تقدیر خانواده درپور

اما حسینیعلی مردانشاهی دیگر پژوهشگر موسیقی مقامی حضور محمدمبین درپور در برنامه «عصر جدید» را به فال‌نیک می‌گیرد. به باور او باید از هر فرصتی که برای معرفی موسیقی محلی به ویژه با اجرای جوان و نوجوانان ایجاد می‌شود، استقبال کرد. مردانشاهی با اشاره به اینکه محمدمبین درپور به خوبی دو مرحله ابتدایی در عصر جدید را پشت سر گذاشته می‌گوید: «با این کار علاوه بر اینکه کار فردی و خانوادگی معین درپور دیده شد، صدای موسیقی خراسان نیز شنیده شد.» و اما از فضای فرهنگی ضعیف حاکم بر جامعه انتقاد می‌کند: «مبین چندین سال است که می‌خواند و در دو گروه «انوار جام» و «نونهلان» فردای جام» اجرا می‌کند. یعنی جایگاه مبین در موسیقی با توجه به توانایی‌ها و بافت خانواده‌اش مشخص است، اما موضوعی که جای سؤال دارد این است که چرا در موسیقی هنرمندانی از قبیل مبین به جز از یک برنامه خاص مانند عصر جدید دیده نمی‌شوند.» مردانشاهی

عصر جدید نیست. این پژوهشگر همچنین

تأکید می‌کند: «اینکه کودکی در حوزه هنرهای نمایش در چنین برنامه‌های حاضر شود عیبی ندارد ولی حضور بچه‌ها به عنوان خواننده حرفه‌ای درست نیست.» به نظر او با حضور در چنین برنامه‌هایی ممکن است اوچی برای این کودکان ایجاد شود که آن‌ها را از مسیری که باید در آن گام بردارند، منحرف کند. جاوید می‌گوید: «جوانانی در خود تربت‌جام هستند که در خارج کشور پذیرفته می‌شوند و آنجا اجرا می‌کنند ولی در کشور خودشان جای دیده نمی‌شوند، نمی‌توانند در برنامه اجرا کنند و دیده نمی‌شود. عصر جدید و تلویزیون اگر می‌خواهند کاری برای موسیقی مقامی انجام دهند باید سراغ این افراد بروند.»

با تأکید بر اینکه مسیر تخصصی موسیقی

را باید از کاتال دیگری جست‌وجو کرد، می‌گوید: «ما مجرای تخصصی موسیقی برای هنرهای هنر موسیقی مقامی و هنرندانش نداریم. حتی جشنواره موسیقی جوان فردی مانند مبین را که چهار، پنج سال در این جشنواره شرکت کرده است، نتوانسته درست معرفی کند و این جای تأسف دارد.» او خاطرنشان می‌کند: «لبته برنامه «عصر جدید» نیز در این زمینه قابل نقد نیست چون این برنامه کارش ستاره‌سازی است ولی باید افسوس خورد که ما یک هنر تخصصی موسیقی محلی نداریم تا مردم با این برنامه آشنا شوند. از این گله‌ها زیاد است و هیچ‌وقت جواب او را نداریم برای آن پیدا نخواهد شد.» این پژوهشگر درباره تصمیم مبین در برنامه کارش می‌شود: «آن‌ها با تصمیمشان برای طی کردن این مسیر اگر هیچ کاری نکرده باشند نتوانسته‌اند بخشی از جامعه را با موسیقی تربت‌جام آشنا کنند و این اتفاق ارزشمند و شایسته تقدیر است.»

